

دوستی محبت کرده و مطلب زیر را برای ما فرستاده است. خواندنش خالی از لطف و تأمل نیست.
مه ۲۰۰۴ - سایت اندیشه و پیکار

آیا من می توانم یک برده ی کانادایی داشته باشم؟

متن زیر را يك دوست مسیحی مؤمن از آمریکای لاتین، در دوم ماه مه فرستاده است.
خانم دکتر لورا شلزینگر در يك برنامه ی رادیویی مستقیم به سؤالات شنوندگان پاسخ می دهد. وی اخیراً گفته است از آنجا که يك یهودی معتقد و عامل به فرایض دینی ست، همان طور که در تورات، سفر لویان، باب ۱۸، آیه ی ۲۲ آمده، همجنس گرایی را قبیح می داند:

[«هیچ مردی نباید با مرد دیگری نزدیکی کند. چون این عمل بسیار قبیح است *»].
و این حکمی ست که در هیچ وضعیتی قابل چشم پوشی نیست. در زیر نامه ی سرگشاده ای را که به خانم لورا نوشته شده و روی اینترنت گذاشته اند، به فارسی ترجمه کرده در اختیار علاقه مندان می گذاریم. روشی که در نگارش این نامه به کار رفته هم تفریح آمیز است و هم اطلاعاتی را در اختیار خواننده قرار می دهد. علاوه بر این، نمونه ی برخورد به کسانی ست که در استدلال خود، به گونه ای دگم به کتاب مقدس [یا قرآن یا هر «کتاب مقدس» دیگر] مراجعه می دهند.

* * *

خانم دکتر لورا شلزینگر عزیز،

بسیار متشکرم که تلاش می کنید مردم را با دستورات الهی آشنا کنید. من از برنامه ی شما نکات زیادی آموختم و به نوبه ی خود می گویم آنها را به بسیار کسان دیگر برسانم. کافی ست به یادشان بیاورم که مثلاً در کتاب مقدس (تورات) سفر (= کتاب) لویان، باب ۱۸، آیه ی ۲۲ طرز زندگی همجنس گرایان را قبیح شمرده است. همین نکته به بحث و جدل ها کاملاً خاتمه می دهد.

با وجود این، در چند مورد مشخص نیاز به نظر شما دارم تا بدانم چگونه باید آن دستورات را به اجرا درآورد:

وقتی يك گاو نر را در قربانگاه قربانی می کنم می دانم بویی که از آن بر می خیزد مورد پسند و خشنودی خداوند است. همان طور که در سفر لویان، باب ۱، آیه ی ۹ می خوانیم:

[«آنگاه باید آن شخص دل و روده و پاچه های گاو را با آب بشوید و کاهنان همه را روی قربانگاه بسوزانند. این قربانی سوختنی که بر آتش تقدیم می شود مورد پسند خداوند خواهد بود»].

اما با همسایه ها چکار کنم؟ آنها می گویند این بو برایشان نامطبوع است. آیا باید آنها را بزنم و تنبیه کنم؟

مطابق با آنچه در سفر خروج باب ۲۱، آیه ی ۷ آمده که:

[«اگر مردی دختر خود را به کنیزی بفروشد، آن کنیز مانند غلام در پایان سال ششم آزاد نشود...»].

من دوست دارم دخترم را به بردگی بفروشم، به نظر شما قیمت منصفانه و مناسب او چقدر است؟ همچنین من می دانم که مجاز نیستم با يك زن در دوره ی قاعدگی اش تماس داشته باشم، چنان که در

سفر لویان باب ۱۵، آیه ی ۱۹ تا ۲۴ آمده است

[زن تا ۷ روز بعد از عادت ماهانه اش شرعاً نجس خواهد بود و در آن مدت هرکس به او دست بزند تا غروب نجس خواهد شد. و او روی هرچیزی بخوابد یا بنشیند آن چیز نجس خواهد شد. اگر کسی به رختخواب آن زن یا چیزی که او روی آن نشسته باشد دست بزند باید لباس خود را بشوید و غسل کند و شرعاً تا غروب نجس خواهد بود»].

مسأله ی من این است که چطور این حرف را بر زبان آورم؟ چند بار کوشش کردم بپرسم ولی زنان می رنجند.

بر طبق سفر لایوان باب ۲۵، آیه ی ۴۴ که می گوید:

[«اما اجازه دارید بردگانی از اقوامی که در اطراف شما ساکن اند خریداری کنید»]

من واقعاً می توانم صاحب بردگانی باشم، چه غلام و چه کنیز، به شرط اینکه از اقوام همسایه خریداری شده باشند. یکی از دوستانم می گوید که این آیه شامل مکزیک می شود نه کانادایی ها. آیا می شود لطفاً این نکته را برایم توضیح دهید؟ چرا من نمی توانم برده ی کانادایی داشته باشم؟

دیگر اینکه من همسایه ای دارم که اصرار دارد روز شنبه کار کند. سفر خروج، باب ۳۵، آیه ی ۲ صریحاً می گوید که باید او را کشت [«فقط شش روز کار کنید و روز هفتم را که روز مقدس خداوند است استراحت و عبادت نمایید. هرکس روز هفتم کار کند باید کشته شود»].

آیا من از نظر اخلاقی مجبور هستم که او را بکشم؟

یکی از دوستانم می گوید هرچند بر طبق آنچه در سفر لایوان، باب ۱۱، آیه ی ۱۰ آمده خوردن ماهی صدف قبیح و ناپسند است

[«از حیواناتی که در آب زندگی می کنند چه در رودخانه باشند و چه در دریا، آنهایی را می توانید بخورید که باله [پر] و فلس داشته باشند. تمام جانوران آبی دیگر بر شما حرام اند»]

ولی قباحت خوردن این ماهی مثل همجنس گرایی نیست. باری، من با او موافق نیستم. آیا می توانید بگویید کدام مان درست می گوئیم؟

باری، سفر لایوان باب ۲۱، آیه ی ۲۰ می گوید که اگر کسی بینایی چشم اش کامل نیست نباید به قربانگاه الهی (معبد و محراب) نزدیک شود

[«خداوند به موسی فرمود: به هارون بگو که در نسل های آینده هرکدام از فرزندانش که عضوی از بدنش معیوب باشد نباید هدایای خوراکی را به حضور من تقدیم کند. کسی که نقصی در صورت داشته باشد و یا کور، شل، ناقص الخلقه، دست یا پا شکسته، گوشت پست یا کوتوله باشد، چشم معیوب یا مرض پوستی داشته باشد یا خواجه باشد، به سبب نقص جسمی اش اجازه ندارد هدایای خوراکی را که بر آتش من به من تقدیم می شود، تقدیم کند»].

من باید اعتراف کنم که عینکی هستم. آیا باید قدرت بینایی ام صد در صد باشد یا اینکه جایی برای تخفیف و طفره رفتن وجود دارد؟

بیشتر مردهایی که با آنها دوست هستم به رغم اینکه در سفر لایوان باب ۱۹، آیه ی ۲۷ آمده است که

[«مثل بت پرست ها موهای ناحیه ی شقیقه ی خود را تراشید و گوشه های ریش خود را نچینید»]

موی سرشان را می تراشند، از جمله موی دور شقیقه شان را. راستی این ها چگونه باید بمیرند؟

در سفر لایوان باب ۱۱، آیه های ۶ تا ۸ آمده است:

[«همچنین گوشت خوک را نیز نباید خورد زیرا هرچند شکافته سم است، اما نشخوار نمی کند. پس نباید

این حیوانات را بخورید و یا حتی دست به لاشه ی آنها بزنید زیرا گوشت آنها حرام است»]

از متن چنین بر می آید که دست زدن به خوک مرده مرا نجس می کند ولی آیا می توانم با دستکش، فوتبال بازی کنم؟

نکته دیگر اینکه عموم مزرعه دارد و بر خلاف آنچه در سفر لایوان باب ۱۹ آیه ی ۱۹ آمده است که:

[«از قوانین من اطاعت کنید. حیوانات اهلی خود را به جفت گیری با حیوانات غیر همجنس شان وا مدارید.

در مزرعه ی خود دو نوع بذر نکارید و لباسی را که از دو جنس مختلف بافته شده نپوشید»]

در یک قطعه زمین دو نوع محصول می کارد و زنش هم جامه ای می پوشد که در آن دو نوع نخ به کار

رفته (پنبه / مخلوط با پلی استر). از طرف دیگر عمویم به کفر گفتن و توهین به مقدسات علاقه ی زیادی دارد. آیا واقعاً ضروری ست آن طور که در سفر لویان باب ۲۴ آیه ی ۱۰ تا ۱۶ آمده

[روزی در اردوگاه مرد جوانی که مادرش اسرائیلی و پدرش مصری بود با یکی از مردان اسرائیلی به نزاع پرداخت. هنگام نزاع، مردی که پدرش مصری بود به خداوند کفر گفت. پس او را نزد موسی آوردند ... او را به زندان انداختند تا هنگامی که معلوم شود خواست خداوند برای او چیست. خداوند به موسی فرمود «او را بیرون اردوگاه ببر و به تمام کسانی که کفر او را شنیدند بگو که دست های خود را بر سر او بگذارند، بعد تمام قوم اسرائیل او را سنگسار کنند. به قوم اسرائیل بگو که هرکس به خدای خود کفر بگوید باید سزایش را ببیند و بمیرد. تمام جماعت باید او را سنگسار کنند. این قانون هم شامل اسرائیلی ها می شود و هم شامل غریبه ها]

آیا باید مردم شهر را جمع کنیم و همه با هم آنها را سنگسار کنیم؟ آیا نمی توانیم به این اکتفا کنیم که آنها را خودمان در چارچوب يك قضیه ی خانوادگی، آتش بزنییم، همان طور که در سفر لویان باب ۲۰ آیه ی ۱۴ برای کسی که با مادر زن خود بخوابد چنین کیفری تعیین کرده است

[«اگر مردی با زنی و با مادر آن زن نزدیکی کند، گناه بزرگی کرده است و هر سه باید زنده زنده سوزانده شوند تا این لکه ی ننگ از دامن شما پاک شود»]

من می دانم که شما این مسائل را وسیعاً مطالعه کرده اید، لذا مطمئنم که می توانید به من کمک کنید. يك بار دیگر از اینکه جاودانگی و تغییرناپذیری کلام خدا را به ما یادآوری نموده اید تشکر می کنم. ارادتمند شما.

* آنچه در ترجمه ی فارسی، از «تورات» نقل شده برگرفته از ترجمه ی تفسیری کتاب مقدس است، نشر انجمن بین المللی کتاب مقدس، ۱۹۹۵ میلادی.